

زندگینامه دکتر محمد ترابی، فوق تخصص بخش پیشین چشم

در آبان ماه سال ۱۳۲۸، هجری شمسی در روستای کچوسنک از توابع شهرستان اردستان در یک خانواده‌ی معروف روستایی متولد شدم دوره‌ی ابتدایی را در همان روستا به پایان بردم و در امتحانات نهایی شاگرد اول شدم بعد دوران دبیرستان را در شهرستان اردستان ادامه دادم سپس به سربازی رفتم و با احراز مقام سومی در بین داوطلبان پادگان در کسوت سپاه بهداشت به خدمت مشغول شدم. در پایان سال بعد از سربازی در کنکور شرکت و هم در رشته حقوق دانشگاه تهران (دوره شبانه) و هم رشته پزشکی دانشگاه تبریز در بین کلیه دانشجویان دانشگاه نفر ۳۱ کنکور شدم پس از موفقیت در امتحانات مورد تخصصی به عنوان استادیار در دانشگاه کرمان شروع به کار و سپس جهت دوره‌ی فوق تخصص در بخش پیشین چشم anterior segment. در همان مرکز (بیمارستان شهید مبنی‌نژاد) موفق به گذراندن آن دوره شدم و مدت ۱۸ سال و ۸ ماه و ۸ روز است که در بیمارستان ایرانی در دبی مشغول خدمت به بیماران هستم کتابی را که تحت عنوان آب مروارید- عدسی‌های داخل چشمی و جراحی‌های اصلاح عیوب انکساری برای دستیاران چشم‌پزشکی نگاشته‌ام دسترنج ۲۰ سال تحقیق، تجربه و درمان این حقیر بوده است.



دایره عشق

چهره خورشید عیان کرد و شب‌تار گذشت
عندلیب آمد و ز اغ از سر دیوار گذشت
تب بیگانگی از این تن تبار گذشت
پیر ما از کله و حلقه زُناَر گذشت
ای خوش آن‌رند که از میکده هشیار گذشت
او به معراج فرا از همه پندار گذشت
مست و مدهوش از آن خانه خمار گذشت
خارج از گردش پرگار تو بیمار گذشت
خرم او کز بطرش مخزن اسرار گذشت
رنج‌ها بود که که بر بوذر و عمار گذشت
که ز اقصا به یقین از حرم و غار گذشت
که رسول آمد و آن خسرو غدار گذشت

مژده‌ای دل که زبستان غم اغیار گذشت
باغبان آمد و از باغ خس و خاک زدود
بود بیگانه ز خود هر که در این عالم بود
نه به بت‌خانه گذر کرد و کلیسا و نه دیر
می پرستی نه طریق ره رندان باشد
پای از خاک برون در گذر وادی دوست
آنکه در خلوت شب باده ز ساغر نوشید
هر که در دایره عشق توشد، ایمن زیست
دل شب محرم راز است و سحر وقت نیاز
تا شود گوهر بحر تو درخشنده به دهر
هفت افلاک شبی فرش ره احمد بود
رو کنون مدرسه فرزندو به تعلیم بکوش





امام صادق (علیه السلام) و بازسازی نهضت نرم‌افزاری و تولید علم

بدون تردید امام صادق (ع) در میان ائمه معصومین (ع) بیشترین نقش و تاثیرگذاری را در تقویت نهضت نرم‌افزاری و تولید علم داشته و با استفاده از شرایط زمانی و مکانی و مقتضیات محیطی دوران بنی امیه و بنی عباس بیشترین شاگردان عرصه‌های مختلف علمی را تربیت و به عالم انسانیت عرضه نمودند. اینکه امام صادق (ع) چگونه این نهضت را شروع کرده و مبانی و شاخصه‌های این حرکت تمدن‌ساز از چه اوصاف و ویژگی‌هایی برخوردار بوده را از نظر می‌گذرانیم.

جامعیت اسلام در پاسخگویی به نیازها

رسالت اسلام به عنوان دین کامل و تمام، در این است تا هرآن چه را که انسان برای دست یابی به کمال و سعادت دو جهان نیاز دارد، فراهم آورد. به این معنا که گزاره‌ها و آموزه‌های دینی به عنوان کامل کننده دستاوردهای عقلانی و رهیافت عقلایی عمل می‌کند و در حوزه‌هایی که امکان دسترسی آن برای عقل فراهم نیست، وارد شده و افزون بر شناخت، راهکارهایی نیز برای عمل و یا برونرفت از مشکلات و معضلات ارایه می‌دهد. از این رو، اسلام به عنوان «دستگاه معرفتی» و «دستگاه حقوقی و قانونی» گزاره‌های معرفتی و نظریه‌های علمی و توصیه‌های علمی و آموزه‌های دستوری، در همه حوزه‌های زندگی انسان مومن حضور جدی خود را اعلام می‌کند. حوزه‌ای نیست که اسلام در آن وارد نشده باشد؛ زیرا دین اسلام، دینی با جامعیت یک مکتب فلسفی و حقوقی و نظامی با دستگاه‌های قانون‌گذاری و اجرایی است. قرآن و اسلام با چنین بینش و نگرشی وارد زندگی مردمان حجاز شد و از قبایل پراکنده فاقد هرگونه مدنیت و دولت، امتی دارای حکومتی مقتدر و نهادهای قانونی و قضایی و اجرایی پدید آورد و برای تثبیت و مشروعیت سیاسی آن، دستگاه معرفتی ویژه‌ای را پی‌ریزی کرد تا حضور خود را در همه حوزه‌ها و عرصه‌های زندگی توجیه‌پذیر و مقبول سازد. این گونه است که مسلمان مومن بر این باور است که دین اسلام دینی جامع، کامل و تمام است. از این روست که اسلام مدعی پاسخ‌گویی به نیازهایی است که در درون ثبات قرار می‌گیرد و این امور ثابت به گونه‌ای است که فراتر از زمان و مکان و تاریخ است و انسان به‌امو انسان همواره در همه زمان‌ها و مکان‌ها با آن درگیر است؛ اما آن چه را به اقتضای زمان

و مکان به عنوان نیاز و ضرورت، خود را نشان می‌دهد، نیازهایی نیست که بتوان آن‌ها را نیازهای اصلی انسان دانست که عقل انسانی ناتوان از حل آنها باشد. به این معنا که انسان عاقل مومن با توجه به نیازهای ثابت، پاسخ‌های ثابت و کلی از دین دریافت کرده است و نسبت به نیازهای متغیر می‌تواند با عطف آنها به نیازهای ثابت و پاسخ‌های ثابت دینی امکان حل عقلایی آنها را فراهم آورد.

ویژگی نهضت نرم‌افزاری و تولید علم پیامبر (صلی الله علیه و آله)

پیامبر (ص) با ایجاد نهضت نرم‌افزاری و تولید علم در جامعه بدوی مکه و مدینه توانست زمینه را برای آموزش گروه‌ها و افرادی در جامعه فراهم آورد که بتوانند با توجه به اصول کلی اسلامی و عقلایی، پاسخ‌هایی را برای برونرفت از مشکلات و دست‌یابی به اهداف بلند انسانی یعنی سعادت با دو مولفه آرامش و آسایش فراهم آورند. هدف پیامبر (ص) از ایجاد چنین «دستگاه معرفتی» و نهضت نرم‌افزاری و تولید علم، ایجاد تمدن اسلامی مبتنی بر اهداف عالی اسلام بود که بر پایه فطرت انسانی و عقلانیت بشری استوار شده بود. تمدن اسلامی که پیامبر (ص) در مدینه پایه‌های آن را ریخت، به زودی رشد کرد و امتی بزرگ با تمدنی شکوفا و پیشرفته را پدید آورد که تا سده‌ها به عنوان نمونه و الگو در جهان آن عصر شناخته و معروف بود و امت‌ها و ملت‌ها خواهان بهره‌مندی از آن بودند و دانشمندان و دانشجویان خویش را برای بهره‌گیری از آن به مناطق تمدن اسلامی اعزام می‌کردند.

بازخوانی سیره امام صادق(علیه السلام) در عصر نهضت علمی

امام صادق(ع) در عصری می زیست که تلاش های پیامبر(ص) در حوزه تمدن سازی به بار نشسته بود و تمدن اسلامی در همه حوزه ها رشد و شکوفایی چشم گیری یافته بود. آموزه های قرآنی نسبت به شناخت جهان و تفکر و تدبیر در آیات زمینی انگیزه های شد تا دانشمندان علوم مختلف در همه چیز به تولید علم بپردازند و دانش و نهضت بزرگ علمی را در مناطق اسلامی پدید آورند. سرازیر شدن اندیشمندان و دانشمندان مناطق دیگر به جهان اسلام و ورود تفکرات و فرهنگ های مختلف، بیان گر نشاط و فعالیت روز افزون جهان اسلام بود. با این همه، همواره برای هر نهضت علمی و حرکت انسانی خطرهایی وجود دارد که بدون آسیب شناسی، امکان تداوم و استمرار نهضت فراهم نخواهد بود. نهضت علمی و نرم افزاری که پیامبر(ص) با تلاش بیست و سه ساله آغاز کرد و اکنون در بسیاری از ابعاد و حوزه ها خود را نشان می داد، با مشکلی جدی از درون رنج می برد. این خطر همواره وجود دارد تا شاخصه های اصلی ایجاد نهضت و پایداری آن دستخوش تغییر و دگرگونی گردد و ملاک ها و معیارهای دیگری به عنوان معیارهای اصلی جایگزین گردد، به گونه ای که نهضت علمی را دچار بیماری، بحران و در نهایت نابودی سازد. از این رو، هر نهضت علمی و تمدنی و فرهنگی، نیازمند نقد علمی و بازخوانی و بازتولید است. این باز تولید با توجه به نیازهای زمانی و مکانی و نیز مقتضیات عصری، خود را برهر مجموعه علمی ای تحمیل می کند. نهضتی که نتواند خود را با دگرگونی ها و مقتضیات و نیازهای عصری هماهنگ و سازگار گرداند، در نهایت دچار بحران و فروپاشی می گردد. امام صادق در زمانی می زیست که اوج بهره گیری و بهره مندی از نهضت نرم افزاری و تولید علمی بود که حضرت رسول اکرم(ص) صدسال پیش آغاز کرده بود و اکنون به بار نشسته و آثار و ثمرات خود را می نمایاند. آن حضرت دریافت که نهضت علمی اگر مورد تحلیل، بازخوانی، نقد علمی و حتی بازسازی و باز تولید در برخی از حوزه ها قرار نگیرد، به زودی دچار بحران می گردد و معیارهای نادرست و آسیب زا، معیارهای اصلی و موثر را از کار می اندازد.

جیستی نهضت نرم افزاری و تولید علم

پرسشی که در این جا پیش از پرداخت به نقش و کارکرد امام صادق(ع)، خودنمایی می کند، مساله نهضت نرم افزاری و تولید علم و مفهوم شناسی آن است. پرسش این است که از نرم افزار و تولید علم چه معنا و مفهومی اراده شده است؟ آیا در عصر امام صادق(ع) و یا حتی پیامبر(ص) چنین اندیشه و مساله ای وجود داشته است؟ آیا هدف پیامبر(ص) و امام صادق(ع) می تواند ایجاد نهضت نرم افزاری و تولید علم و تمدن سازی باشد؟ روشن است که مساله تولید علم، مساله زمان ما نیست. مساله انسان است. انسان از زمانی که در زمین مستقر شد و خود را در طبیعت یافت، نیازهایی او را در بر گرفت که نمی توانست آن ها را بی پاسخ بگذارد. اندیشه و رویکرد حل نیازها و رفع مشکلات، او را به تعقل و یافتن راهکارهایی برای شناخت عوامل و متغیرات موثر کشاند و رهیافت هایی را برای رفع نیازها و حل معضلات جستجو کرد. رهیافت هایی که انسان به تجربه و آزمون خطا و تصحیح به دست



آورد، همان تولید علم است. در حقیقت تولید علم یعنی یافتن راه‌هایی برای رهایی از مشکلات و رفع نیازها و شناخت پیرامونی و دست‌یابی به آسایش و آرامش که خود را به اشکال مختلف در عرصه زندگی بشر نشان می‌دهد. پیامبر اکرم (ص) نیز به عنوان انسانی کامل که خود را با مشکلات فردی و جمعی بی‌شماری رو به رو می‌دید و از همه مهم‌تر خود را موظف به حل آن‌ها می‌دانست، به مساله نهضت تولید علم و تمدن‌سازی و ایجاد آسایش و آرامش برای انسان‌ها در هر دو جهان، توجه ویژه‌ای مبذول داشت. این مساله چنان ذهن و فکر پیامبر (ص) را مشغول می‌داشت که خداوند در قرآن وی را به جهت به رنج انداختن در راه رفع و دفع مشکلات مردم خطاب می‌کند و از وی می‌خواهد که در حد توان و قدرت و استطاعت در این عرصه‌ها وارد شود و خود را به رنج مضاعف نیافکند؛ لعلک باخع نفسک علی... بنابراین دغدغه مردم و جامعه یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های پیامبر (ص) بود. از این رو برای حل مشکلات مادی و معنوی مردم تلاشی جانکاه را در پیش گرفت و خود را بیش از اندازه به رنج و زحمت افکند. آموزش و تعلیم و تربیت و تزکیه در همه حوزه‌ها، ایجاد کلاس‌های سوادآموزی و کارگاه‌های علمی و عملی، راه‌اندازی نهادهای قانونی، قضایی و دولتی و نیز ایجاد نهادهای نظامی و انتظامی و دستگاه‌های دیگر مرتبط با امور اجتماعی و سیاسی و علمی، تلاشی بود که پیامبر (ص) برای پاسخ‌گویی به اصول اساسی انسان در زندگی بر خود تحمیل کرد و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکرد. نهضت یا جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، در حقیقت حرکت و جنبشی برخاسته از نگرش نخبگان جامعه به منظور تولید علم، نظریه‌پردازی و تمدن‌سازی است تا در پرتو آن انسان بتواند به کمال و سعادت دنیا و آخرت نایل گردد. در حقیقت هدف از جنبش تولید علم توسعه مرزهای علم و یافتن راهکارهای گوناگون جهت برون‌رفت از مشکلات و معضلات مادی و معنوی انسان و جامعه است. از این رو تولید نظریه‌های کاربردی از اهداف اصلی جنبش تولید علم است. آن چه پیامبر (ص) و امام صادق (ع) بر آن تأکید می‌ورزیدند، نظریه‌پردازی روشمند و مبتنی بر اصول ثابت و حیانی بود تا در جامعه‌پذیری و تمدن‌سازی به بهترین شیوه موثر باشد و تغییرات اجتماعی و تحولات عمیق و بنیادین را در ساخت و نیز ساختارهای جامعه ایجاد کند.

شاخصه‌های تمدن‌سازی در اندیشه امام صادق (علیه السلام)

امام صادق (ع) همانند جد بزرگوارش در برنامه خویش در مساله تولید علم و تمدن‌سازی، مولفه‌ها و شاخصه‌هایی را در نظر داشت که نمی‌توانست از آن عدول کند. آن حضرت (ع) برای رسیدن به تمدن مطلوب

اسلامی که ما اکنون از آن به تمدن‌سازی شیعی و یا تمدن‌سازی اسلام ناب محمدی (ص) می‌شناسیم، بر شاخصه‌هایی تأکید ورزید که اکنون نیز می‌بایست در تجدید نهضت تولید علم و جنبش تمدن‌سازی و بازسازی تمدنی از آن بهره‌مند شویم. از نظر امام صادق (ع) نهضت نرم‌افزاری می‌بایست بر دو پایه اصلی تعقل و تعبد قرار گیرد. اصولاً نهضتی در بعد انسانی و تمدن‌سازی موفق و مطلوب است که انسان را چنان که هست بشناسد و او را موجودی تک‌بعدی به شمار نیاورد. از این رو، همان اندازه که نادیده گرفتن معنویت و ابعاد روحی و روانی انسان، به معنای شکست نهضت تولید علم و تمدنی و هر طرح و پروژه دیگری است. نادیده گرفتن تعقل و ابعاد عقلانی و عقلایی نیز بهره‌ای جز این نخواهد داشت. انسان موجودی است که می‌بایست آرامش را در تعبد و آموزه‌های و حیانی بجوید و آسایش را با تعقل و به کارگیری عقل و عقلانیت و این پیامبر درونی فراهم آورد. آرامش و آسایش دو مولفه اصلی سعادت بشری است. این دو مولفه دو بخش و دو بعد انسانی را تأمین می‌کند. پس برای رسیدن به آرامش، نیازمند وحی و آموزه‌های و حیانی یعنی تعبد است و برای رسیدن به آسایش نیازمند آن است تا از عقلانیت به درستی بهره‌مند گردد و آن را به خوبی به کار گیرد. از این روست که امام صادق (ع) همچون پیامبر اکرم (ص) بر عقلانیت و بهره‌گیری از آن تأکید می‌ورزید؛ چنان که در کتاب اصول کافی احادیث بسیاری درباره ارزش و اهمیت عقل و جایگاه آن از آن حضرت (ع) نقل شده است. در نگرش و بینش امام صادق (ع) هر جا عقل باشد، دین و حیا به عنوان دو همراه همیشگی و جدایی‌ناپذیر حضور جدی دارند و هر جایی که عقل نیست نباید در جستجوی دین و حیا بود و سراغ آن را گرفت. آن حضرت درباره تعبد نیز به شدت با اندیشه و بینش قیاس‌گرایی ابوحنیفه درگیر می‌شود و کسانی که در دین سخن از قیاس و تمثیل عقلایی برای رسیدن به توصیه‌ها و آموزه‌های دستوری و حیانی (اخلاقی، حقوقی، وجوب و حرمت) می‌زنند، مردود و یار و یاور شیطان و اهل آن دانسته و می‌فرماید: اول من قاس فهو ابلیس؛ نخستین کسی که قیاس کرد ابلیس بود. از دیگر شاخصه‌هایی که آن حضرت (ع) برای تولید علم مبتنی بر اصول و حیانی و عقلانی بیان می‌دارد و بر آن باور دارد، فرهنگ‌سازی است. به نظر آن حضرت نمی‌توان بدون فرهنگ‌سازی از جامعه امید داشت تا به اصول علمی علاقه‌مند باشد و در راستای تمدن‌سازی اقدام به تلاش علمی و کوشش عملی نماید. از این جاست که مساله ارزش علم و دانش آموزی در نظر آن حضرت (ع) بسیار مهم جلوه می‌کند و روایات بسیاری در ترغیب و تشویق علم آموزی از آن حضرت وارد می‌شود. در این راستا امام صادق (ع) خود به ایجاد

کلاس‌های متعدد آموزشی و کارگاه‌های علم‌آموزی اقدام می‌کند. به نظر امام صادق (ع) علم می‌بایست پویا، اثرگذار، کاربردی و پاسخ‌گو باشد. از این روست که در دانشگاه آن حضرت (ع) که اختصاص به علم خاصی نداشت و همه علوم و فنون رایج تدریس می‌شد، نه تنها پویایی و اثرگذاری، اصل است بلکه تاکید بر کاربردی و پاسخ‌گو بودن به نیازهای عصری، اصل اساسی و شاخصه اصلی است. شاگردان آن حضرت (ع) از جابرین حیان شمیمدان گرفته تا هشام بن حکم کلامی تا زراره بن اعین فقیه و حقوقدان، با توجه به این شاخصه‌ها عمل می‌کنند. دانشگاه چهار هزار نفری آن حضرت تاکید است بر اصل فراگیری علوم و ایجاد فرهنگ‌سازی عمومی در همه دانش‌های تمدن ساز و موثر. به نظر امام صادق (ع) جوامع، همواره در پویایی و پوییش به سر می‌برند و نیازها و مسایل آنها دگرگون و نو می‌شود، از این رو، جنبش تولید علم و نهضت نرم‌افزاری باید پویا باشد تا بتواند با توجه به مقتضیات زمان و مکان و نیازهای متغیر انسان و جوامع عمل کند؛ از این روست که به شاگردان خود پاسخ‌هایی را می‌آموزد که متناسب با دانش‌های عصری آن روز است و به شاگردان تعلیم می‌دهد که روش پاسخ‌گویی می‌بایست با توجه به شرایط فردی و یا جمعی و نیز با هدف حل مشکلات و معضلات بشری باشد.

از دیگر شاخصه‌های جنبش تولید علم این است که باید به عنوان یک «نهاد» از ثبات و تداوم برخوردار باشد. اگر تولید علم نهادینه نشود، هرگز تولید نرم‌افزاری به اندازه نیازها و نیز در راستای پاسخ‌گویی به مسایل جامعه نخواهد بود. نهادینه کردن جنبش این است که توان بالقوه باید را به فعلیت رساند و موانع را از پیش روی جامعه بردارد. برای نهادینه سازی تولید علم، آن حضرت (ع) تشکیلات علمی منسجمی را پایه ریزی کرد. برای تأمین نیازهای مالی با استفاده از خمس و دیگر امکانات مادی، دانشمندان جوان را در راستای تولید علم واقعی مبتنی بر اصول شیعی بسیج نمود. این اقدام امام صادق (ع) موجب شد تا حرکت‌های علمی فرد محور نشود و با از دست رفتن دانشمندی، علم به قهقرا نرود، بلکه دیگر شاگردان آن را ادامه دهند و به نهایت و بلوغ رسانند. چنین است که پس از مرگ هر شاگردی آن علم را به شاگردان دیگر منتقل کرده و دانشمندان شیعی در همه علوم سرآمد روزگار می‌گردند. اگر به کتاب‌هایی که به عنوان «الاولیل» و یا مانند آن مراجعه شود می‌توان دریافت که بیشتر علوم و دانشها از تولیدات شاگردان مکتب امام صادق (ع) است.

امام صادق (علیه السلام) و بازتولید علم

در اندیشه و بینش امام صادق (ع) ترس و خطر این که علم به بیراهه رود و از اهداف اصلی خود منحرف شود، ترس روشن و پرواضحی است. نمی‌توان امید داشت که علم در مسیر خود حرکت کند و به بیراهه در اهداف و مقصد نرود. سوء استفاده از علم همواره وجود داشته و دارد، چنان که علم بدون نقد، تحلیل و بازتولید، هرگز به کمال نمی‌رسد. در بینش امام صادق (ع) برای رسیدن به علم کامل، مفید و کاربردی و سازنده، لازم است همواره از همه جهات موردنقد و بررسی و بازتولید قرار گیرد تا به بیراهه نرود و در راستای اهداف ضد بشری به کار گرفته نشود. علم

بررسی و تحلیل می‌شود تا نقاط ضعف و عدم کاربردی بودن آن شناخته و دانسته شود. باز تولید می‌شود تا با توجه به نیازها و مقتضیات روز و مکان، خود را هماهنگ و سازوار گرداند، در غیر این صورت علم از هدف تاثیرگذاری و سازندگی خود دور شده و هرگز به کمال خود نمی‌رسد. امام صادق (ع) در روایات بسیاری به این مهم و شاخصه‌ها توجه داشته و اهتمام می‌ورزد. از این رو همواره آثار علمی گذشتگان را نقد می‌کند و اشکالات و نارسایی‌های آن را باز می‌نمایاند. علوم موجود زمانه خود از فلسفه

و کلام و نجوم و ادبیات و فقه و قانون و نظام‌های حکومتی را نقد و بررسی و تحلیل می‌کند و نقاط ضعف و قوت‌ها آن‌ها را می‌نمایاند و با باز تولید علوم موجود زمانه، می‌کوشد تا کارایی آن‌ها را حفظ یا افزایش دهد. نگاهی گذرا به گزارش‌ها و روایات و اخبار می‌تواند این مطلب را به خوبی نشان بدهد و معلوم کند که آن حضرت (ع) تمدن اسلامی را چنان قدرتمند و سازنده و پویا نماید که آثار آن تا سده‌های چهارم و پنجم هجری بر جای ماند. افسوس که از سده پنجم و ششم این اصول و شاخصه‌ها نادیده گرفته شد و معیارهایی که آن حضرت (ع) درباره نهضت نرم‌افزاری و تولید علم و تمدن سازی تبیین و تحلیل نموده موردتوجه و اهتمام قرار نگرفته است. این گونه است که از این سده، غرب و تمدن غربی با بهره‌گیری از روش‌های تجربی و آزمایشگاهی آموخته شده از تمدن اسلامی، به پیشرفت‌های شگرفی دست یافت و امت و تمدن اسلامی راه قهقرا را در پیش گرفت. بنابراین برای رسیدن به نهضت تولید علم و تمدن سازی مدرن لازم است شاخصه‌های مطرح شده از سوی امام صادق (ع) دوباره موردتوجه و بازخوانی قرار گیرد و دستگاه معرفتی جامعه اسلامی برپایه تعبد و عقلانیت بازسازی شود.





وحدت؛ اساس اسلام

با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، حساسیت دشمنان اسلام برای ایجاد اختلاف و پراکندگی در میان مسلمانان بیشتر شد. بنابراین حضرت امام خمینی(ره) با درک این موضوع که دو مذهب تشیع و تسنن که از پیروان زیادی در سراسر جهان برخوردار هستند، هر اندازه بتوانند دیدگاه‌های خود را به یکدیگر نزدیک کنند، تأثیر بسیار مهم و ارزشمندی در اعتلا و عزت و سربلندی مسلمانان در جهانی کنونی خواهند داشت و توطئه‌های هر روزه آن‌ها را نقش بر آب خواهند کرد، روزهای دوازدهم تا هفدهم ربیع الاول را تحت عنوان «هفته وحدت» نام گذاری کردند. و یکی از مهم‌ترین راه‌های ایجاد وحدت میان جامعه مسلمین را عرضه نمودند. در این خصوص دکتر کریم راستگو می‌گوید:

«این هفته از دو منظر قابل توجه است. اول اینکه نامگذاری آن در ایام تولد حضرت ختمی مرتبت که ابتدای آن به نقل پیروان سنی و پایان آن به عقیده شیعیان است، و چون ایام شاد و مبارکی است، از نظر روان شناسی نیز بهترین زمان برای بحث در مقوله وحدت مسلمین است. و

اسلام به عنوان آخرین و کاملترین دین الهی برای نجات بشریت از گمراهی و جهل، توسط پیامبر اکرم(ص) به بشریت عرضه شد. اما از آنجا که روشنگری و آگاهی بخشی آن موجب می‌شد تا مردمان از بردگی خلاصی یابند، همواره دشمنان دین برای نابود کردن آن تلاش کرده و با انواع ترندها، از آغاز نبوت پیامبر تا امروز قصد داشتند با ایجاد تفرقه بین مسلمین از اشاعه و رشد اسلام جلوگیری نمایند. در این میان مهم‌ترین و بزرگترین دست آویز مخالفان حقیقت، بحث شیعه و سنی و اختلاف میان این دو مذهب از مسلمانان است. بنابراین لزوم حفظ وحدت میان مسلمین از جمله اموری است که همواره از سوی بزرگان و رهبران مذهبی مسلمان مورد توجه قرار گرفته است.

حقیقت مفهوم «وحدت» و به عبارت صحیح‌تر «اتحاد» آن است که با حفظ عقاید قطعی و مسلم خود، در مقابل دشمن مشترک موضع واحدی داشته و از او غافل نباشیم.^[۱] شهید مطهری(ره) قائل است وحدت اسلامی متوقف بر این نیست که فرق و مذاهب از میان برود.^[۲]

دوم هم توجه به بافت مذهبی کشور ایران است همانطور که می‌دانیم با اینکه مذهب رسمی کشور ما شیعه است و تعداد شیعیان در اینجا بیشتر است، اما اقوام و مردم بسیاری نیز مذهب سنی را انتخاب کرده و به آن معتقدند، بنابراین وجود اختلاف میان آن‌ها موجب می‌شود که در ایران نیز اختلاف ایجاد شده و حتی امنیت کشور به خطر افتد و لذا حفظ وحدت و قرار دادن ایامی از سوی امام (ره) علاوه بر جنبه مذهبی و شرعی از نظر اجتماعی و امنیتی نیز اقدامی به جا و قابل تأمل است»^[۴]

مقام معظم رهبری در خصوص هفته وحدت و لزوم اتحاد مسلمانان می‌فرماید:

«این هفته وحدت، این هفته مشترک الاحترام بین مسلمین را قدر بدانید، همه سعی کنند وحدت و اتحاد نیروها و در یک جبهه قرار گرفتن نیروهای مسلمین را که رمز سعادت و مایه سربلندی مسلمین و بزرگترین حربه ملت‌ها در مقابل استکبار جهانی است مغتنم بشمارند و قدر بدانند»^[۴]

شهید مطهری (ره) در خصوص اهمیت وحدت مسلمانان می‌نویسد:

«چه خوب گفته است علامه فقیه کاشف الغطاء «بنی الاسلام علی کلمتین: کلمه التوحید و توحید الکلمه» یعنی اسلام بر روی دو اصل و دو فکر بنا شده است. یکی اصل پرستش خدای یگانه است، دیگر اصل اتفاق و اتحاد جامعه اسلامی است»^[۵]

مسلمانان از نظر اختلافات مذهبی طوری نیستند که نتوانند وحدت داشته باشند، نتوانند با یکدیگر برادر و مصداق «انما المؤمنون اخوه» بوده باشند، زیرا خدایی که همه پرستش می‌کنند یکی است. همه می‌گویند: «لا اله الا الله» همه به رسالت محمد(ص) ایمان دارند و نبوت را به او پایان یافته می‌دانند و دین او را خاتم ادیان می‌شناسند. همه قرآن را کتاب مقدس آسمانی خود می‌دانند و آن را تلاوت می‌کنند و قانون اساسی همه مسلمین می‌شناسند، همه به سوی یک قبله نماز می‌خوانند و یک بانگ به نام اذان بر می‌آورند، همه در یک ماه معین از سال که ماه رمضان است روزه می‌گیرند، همه روز فطر و اضحی را عید خود می‌شمارند، همه مراسم حج را مانند هم انجام می‌دهند و با هم در حرم خدا جمع می‌شوند. و حتی همه خاندان نبوت را دوست می‌دارند و به آن‌ها احترام می‌گذارند. این‌ها کافی است که دل‌های آن‌ها را به یکدیگر پیوند دهد. و احساسات برادری و اخوت اسلامی را در آن‌ها برانگیزد^[۶]

بدون شک هفته وحدت و طرح این مسئله و ضرورت آن می‌تواند گام مهمی در راستای وحدت مسلمانان باشد. تمامی مسلمانان باید با توجه به موارد اتفاق خویش اتحاد و انسجام خویش را حفظ کنند و با اتحاد خویش توطئه‌های دشمنان را نقش بر آب کنند خصوصاً ما شیعیان باید با الگو قرار دادن ائمه اطهار(ع) ثابت کنیم که پیرو واقعی آن بزرگواران هستیم. موسی بن جعفر(ع) می‌فرماید:

«چنان رفتار کنید که هر کس شما را ببیند بگوید: خدا رحمت کند جعفر بن محمد را که چه خوب یارانش را تربیت کرده است»^[۷]

در جای دیگری می‌فرماید:

«شما شیعیان موجب آبرومندی ما باشید، نه مایه آبرو ریزی

ما»^[۸]

[۱]- رضوانی، علی اصغر؛ غدیر شناسی، قم، مجمع جهانی اهل بیت (علیه‌السلام)، بی‌تا.

ص ۱۱.

[۲]- مطهری، مرتضی؛ حج، تهران، صدرا، ۱۳۸۰، ص ۱۱.

[۳]- مقاله «وحدت اساس اسلام» محمد حسین فروزان، نشریه راه مردم ۸۴/۲/۳.

[۴]- همان.

[۵]- مطهری، مرتضی؛ پیشین، ص ۱۹.

[۶]- همان، ص ۱۱-۱۰.

[۷]- خمینی، سید مصطفی؛ مستند تحریر الوسیله، قم، مؤسسه تنظیم و نشر

آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۴۰۵، به نقل از وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۳۰.

[۸]- شیخ صدوق؛ امالی، قم، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۷، ص ۴۸۴.



خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲-۵۹۸)

محمد بن حسن جهرودی طوسی مشهور به خواجه نصیرالدین طوسی در تاریخ ۱۵ جمادی الاول سال ۵۹۸ هجری قمری در طوس ولادت یافته است. او به تحصیل دانش علاقه زیادی داشت و از دوران جوانی در علوم ریاضی و نجوم و حکمت سرآمد شد و از دانشمندان معروف زمان خود گردید. طوسی یکی از سرشناس‌ترین و با نفوذترین چهره‌های تاریخ اسلامی است. علوم دینی و علوم عملی را زیر نظر پدرش و منطق و حکمت را نزد خالوش بابا افضل ایوبی کاشانی آموخت. تحصیلاتش را در نیشابور به اتمام رسانید و در آنجا به عنوان دانشمندی برجسته شهرت یافت. خواجه نصیرالدین طوسی را دسته‌ای از دانشوران خاتم فلاسفه و گروهی او را عقل حادی عشر (یازدهم) نام نهاده‌اند.

علامه حلی که یکی از شاگردان خواجه نصیرالدین طوسی می‌باشد درباره استادش چنین می‌نویسد: خواجه نصیرالدین طوسی افضل عصر ما بود و از علوم عقلیه و نقلیه مصنفات بسیار داشت. او اشرف کسانی است که ما آنها را درک کرده‌ایم. خدا نورانی کند ضریح او را. در خدمت او الهیات، شفای ابن سینا و تذکره‌ای در هیئت را که از تألیفات خود آن بزرگوار است قرائت کردم. پس او را اجل مختوم دریافت و خدای روح او را مقدس کند. نصیرالدین زمانی پیش از سال ۶۱۱ در مقابل پیشروی مغولان به یکی از قلعه‌های ناصرالدین محتشم فرمانروای اسماعیلی پناه برد. این کار به وی امکان داد که برخی از آثار مهم اخلاقی، منطقی، فلسفی و ریاضی خود از جمله مشهورترین کتابش «اخلاق ناصری» را به رشته تحریر درآورد. وقتی که هولاکو به فرمانروایی اسماعیلیان در سال ۶۳۵ پایان داد طوسی را در خدمت خود نگاه داشت و به او اجازه داد که رصدخانه بزرگی در

بهترین جای عالم

از دیدگاه

خواجه نصیرالدین طوسی

عطاءالملک جوینی که یکی از وزیران دربار هلاکو می‌باشد و کتاب تاریخ جهانگشای او معروف است به خواجه نصیرالدین طوسی گفت اکنون که ایران در زیر یوغ اجنبی است و هیچ جای نفس کشیدن نیست بهترین جای دنیا برای اقامت گزیدن کجاست؟ تا از برای رشد و حفظ جان به آنجا در آییم خواجه خنده‌ای کرد و گفت بهترین جا ایران است و از برای شخص خود من زادگاهم طوس، شما را دیگر نمی‌دانم مختارید انتخاب کنید و عزم سفر نمایید عطاءالملک پاسخ داد برای دانشمندانی نظیر ما بستر آرامش دروازه‌های باشکوهتری به روی آیندگان خواهد گشود و خواجه به طعنه گفت البته اگر آینده‌ای باشد! چرا که فرار اهل خرد، نفع شخصی عایدشان می‌کند و در این حال دیار مادری همچنان خواهد سوخت امروز مهمترین وظیفه ما ایستادن و خرد را به کار بردن برای رفع استیلای اجنبی است و اگر این کار نتوانیم دیگر فایده‌ایی برای زنده بودن نمی‌بینم عطاءالملک جوینی در حالی که به زمین می‌نگریست به خواجه نصیرالدین طوسی گفت برای من بزرگترین نعمت همین است که در کنار آزاده مردی همچون شما هستم.



معرف تنها الگوی ریاضی جدید حرکات سیارات است که در نجوم قرون وسطی نوشته شده است.

این کتاب به احتمال زیاد از راه نوشته‌های منجمان بیزانسی به کوپرنیک اثر گذاشته است و همراه با کار شاگردان طوسی متضمن تمام تازه‌های نجومی کوپرنیکی است به استثنای فرضیه خورشید مرکزی آن. نصیرالدین طوسی با اینکه سرو کارش بیشتر در سیاست و اجتماع بوده روشن‌ترین راه را که برای رسیدن به جهان جاودانی نشان می‌دهد دیانت است. اگر چه در تمام نوشته‌های خود دم از استقلال و معرفت می‌زند اما آشکارا می‌گوید دانش تنها از ایمان و دین حاصل می‌شود و حقیقت دانش را دین می‌داند که تسلی بخش جان‌ها و روان بخش کالبدهای افسرده است. طوسی بیشتر به عنوان منجم معروف است و رصدخانه وی یک مؤسسه علمی در تاریخ علم به شمار می‌رود. کتاب تنسوق نامه او از لحاظ موضوع فقط در مقایسه با مشابیهش یعنی کتاب بیرونی (کتاب الجواهر فی معرفت الجواهر) در درجه دوم اهمیت قرار دارد. طوسی یکی از پیشروترین فلاسفه اسلامی است که تعیمات مشائی ابن سینا را پس از آن که در طول دو سده در محاق «کلام» قرار گرفته بودند احیاء کرد. او مظهر نخستین مرحله ترکیب تدریجی مکتبهای مشائی و اشراقی است. اخلاق ناصری وی رایج‌ترین کتاب اخلاقی بین مسلمانان هند و ایران بوده است. تجرید العقاید او در کلام مبنای الهیات اصولی شیعه دوازده امامی است. طوسی احتمالاً بیش از هر فرد دیگر مایه احیای علوم اسلامی بوده است. اگر لیاقت خواجه پس از آن همه وقایع و خونریزی به داد مسلمانان نرسیده بود جهان اسلامی امروز چه وضعیتی داشت؟ در سال ۶۷۲ هجری قمری نصیرالدین طوسی با جمعی از شاگردان خود به بغداد رفت که بقایای کتابهای تاراج رفته را جمع‌آوری و به مراغه بازگرداند اما اجل مهلتش نداد و در تاریخ ۱۸ ذی الحجه سال ۶۷۲ هجری قمری در کاظمین نزدیک بغداد دار فانی را وداع گفت. نصیرالدین طوسی ستاره درخشانی بود که در افق تاریخ مغول درخشید و در هر شهری که پاگذار آنجا را به نور حکمت و دانش و اخلاق روشن ساخت و در آن دوره تاریک وجود چنین دانشمندی مایه اعجاب و اعجاز بود.

مراغه احداث کند که شروع آن از سال ۶۳۸ بود. برای کمک به رصدخانه علاوه کمکهای مالی دولت اوقاف سراسر کشور نیز در اختیار خواجه گذارده شده بود که از عشر (یک دهم) آن جهت امر رصدخانه و خرید وسایل و اسباب و آلات و کتب استفاده می‌نمود در نزدیکی رصدخانه کتابخانه بزرگی ساخته شده بود که در حدود چهارصد هزار جلد کتب نفیس جهت استفاده دانشمندان و فضلا قرار داده بود که از بغداد و شام و بیروت و الجزیره بدست آورده بودند در جوار رصدخانه یک سرای عالی برای خواجه و جماعت منجمین ساخته بودند و مدرسه علمیه‌ای جهت استفاده طلاب دانشجویان. این کارها مدت ۱۳ سال به طول انجامید تا اینکه ایلخان هلاکوی مغولی در سال ۶۶۳ درگذشت. لیکن خواجه تا آخرین دقایق عمر خود اجازه نداد که خللی در کار آنجا رخ دهد و کوشش بسیار نمود که آن رصدخانه و کتابخانه از بین نرود. قسمت اعظم ۱۵۰ رساله و نامه‌های طوسی به زبان عربی نوشته شده است. وسعت معلومات و نفوذ او با ابن سینا قابل قیاس است جز آنکه ابن سینا پزشک بهتری بود و طوسی ریاضیدان برتری. از پنج کتابی که در زمینه منطق نوشته شده است اساس الاقتباس از همه مهمتر است. در ریاضیات تحریرهایی بر آثار اوتولوکوس، آرسناخوس، اقلیدس، آپولونیوس، ارشمیدس، هویسیکلس، تئودوسیوس منلائوس و بطلمیوس نوشت. از جمله مهمترین آثار اصیل وی در حساب هندسه و مثلثات جوامع الحساب بالتخت و التراب، رساله الشافیه و اثر معروفش کتاب شکل القطاع است که به نوشته‌های ریگوموتانوس اثر گذارده است.

معروفترین آثار نجومی وی زیج ایلخانی که در سال ۶۵۰ نوشته شده می‌باشد و همچنین تذکره فی علم الهیئه است. کتاب تنسوق نامه و کتابهایی در زمینه اختربینی نیز نوشته است. احتمالاً برجسته‌ترین کار طوسی در ریاضیات در زمینه مثلثات بوده است در کشف القناع عن اسرار شکل القطاع، وی نخستین کسی بود که مثلثات را بدون توسل به قضیه منلائوس یا نجوم توسعه بخشید و هم او بود که برای نخستین بار قضیه جیبوب را، که رویداد برجسته‌ای در تاریخ ریاضیات است به روشنی بیان کرد. در نجوم تذکره فی علم الهیئه وی شاید کاملترین نقد بر نجوم بطلمیوس در قرون وسطی و

اسد آبادی متفکر سیاسی که اتحاد مسلمین را رقم زد



جا با همکاری یکی از مجتهدین و رهبران قیام مردمی (سید علی اکبر شیرازی) نامه‌ای به آیت الله العظمی سید حسن شیرازی نوشتند و در این نامه ظلم‌های فراوان شاه به مردم ایران را متذکر شدند. برخی معتقدند که این نامه در صدور فتوای مشهور تحریم تنباکو از جانب آیت الله شیرازی و قیام حاصله از آن، تأثیر بسزایی داشت. حضور اسد آبادی در عراق تأثیر بسزایی بر حیات فکری، سیاسی و اسلامی شهرهای شیعه‌نشین و گسترش تبلیغ و دعوت در جامعه اسلامی گذاشت. او برای علما و محافل فرهنگی سایر شهرهای بزرگ عراق بویژه نجف و کربلا، شخصیتی شناخته شده بود. همه او را به عنوان رهبر حرکت «تجدید در اسلام» می‌شناختند و این شناخت را از طریق روزنامه «عروه الوثقی» و «مجله قانون» که در لندن به زبان فارسی منتشر می‌شد و سید نیز در نشر آن سهیم بود، کسب کرده بودند. وی مهمترین دردهای جامعه اسلامی را استبداد حکام، جهالت و بی‌خبری توده مسلمانان و عقب ماندن از کاروان علم و تمدن، نفوذ عقاید خرافی در اندیشه مسلمانان و دور افتادن آن‌ها از اسلام نخستین، جدایی و تفرقه میان مسلمانان به عناوین مذهبی و غیر مذهبی و نفوذ استعمار غربی می‌دانست. سید درمان این دردها را در مبارزه با خودکامگی مستبدان، مجهز شدن به علوم و فنون جدید بازگشت به اسلام نخستین و دور ریختن خرافه‌ها و پیرایه‌هایی که به اسلام بسته شده است، ایمان و اعتماد به مکتب، مبارزه با استعمار خارجی، اتحاد اسلام، دمیدن روح جهاد به کالبد نیمه‌جان جامعه اسلامی و مبارزه با خود باختگی در برابر غرب اعلام می‌کرد. آثاری که از این عالم فقیه به جای مانده عبارتند از: «تممه البیان فی تاریخ الافغان»، «القصا و القدر»، «اسلام و علم»، «نیجریه یا ناتورالیسم»، «الوحده الاسلامیه»، «الواردات فی سر التجلیات» اسدآبادی در اواخر دوران حیاتش در ترکیه و غیر مستقیم تحت نظر سلطان عبدالحمید، امپراتور عثمانی قرار داشت. وقتی خبر قتل ناصر الدین شاه قاجار توسط میرزا رضا کرمانی به استامبول رسید، به دستور امپراتور عثمانی، از بیشتر ایرانیان درباره ارتباط سید جمال و میرزا رضا تحقیق به عمل آمد و سرانجام پلیس عثمانی طی گزارشی نوشت: «سیدجمال الدین ایرانی است و میرزا رضا به تحریک او مرتکب قتل شده است». سلطان عثمانی از حضور سید جمال به هراس افتاد و دستور قتل او را صادر کرد و سرانجام روز ۱۸ اسفند ۱۲۷۵ برابر با نهم مارس ۱۸۹۷ میلادی، او را مسموم کردند و پیکر او را در قبرستان «مشایخ» استامبول به خاک سپردند. بنا به درخواست دولت افغانستان مبنی بر انتقال کالبد او، این درخواست از سوی دولت عثمانی مورد قبول واقع شد و پیکر سید جمال الدین از استامبول به کابل منتقل شد و در منطقه علی آباد دفن گردید.

سید جمال الدین اسد آبادی در سال ۱۲۱۷ هجری شمسی، در «اسد آباد» همدان در خانواده‌ای روحانی چشم به جهان گشود. نسب وی به امام حسین (ع) بر می‌گردد. پدرش سید صفدر و مادرش سکینه بیگم بود. سید جمال الدین از پنج سالگی قرآن و کتاب‌های فارسی و قواعد عربی را نزد پدرش آموخت و به خاطر استعداد و نبوغی که داشت، با تفسیر قرآن آشنا شد و برای تحصیل به شهرستان قزوین و سپس به تهران عزیمت کرد. در سال ۱۲۲۸ شمسی، عازم نجف شد و از محضر دو مرجع تقلید بزرگ زمان شیخ «مرتضی انصاری» در فقه و اصول و «ملاحسینقلی درجزینی همدانی» در اخلاق و عرفان بهره‌های علمی و معنوی فراوان برد. ایشان بنا به دستور شیخ انصاری، عازم هند شد و در آن جا ضمن آشنایی با علوم جدید، کوشش کرد تا مردم و بویژه مسلمانان را علیه استعمار انگلیس به مبارزه وا دارد. اما به دلیل سلطه همه جانبه انگلیسی‌ها پس از یک سال و نیم اقامت در آن دیار، مجبور به ترک آن جا شد و به ممالک عثمانی رفت و چون با حسادت علمای درباری آن جا مواجه شد، ناگزیر به مصر عزیمت کرد. در مصر توانست یک نهضت فکری ضد استعمار و ضد انگلیس را پایه‌گذاری کند و تشکیلاتی به نام «انجمن مخفی» به وجود آورد. اما بر اثر فشار انگلستان مجبور به ترک مصر شد. این حرکت فکری توسط شاگردانش از جمله «شیخ محمد عبده» دنبال شد و در سال‌های بعد زمینه ساز قیام مردم مصر علیه استعمار انگلستان گردید. سیدجمال پس از ترک مصر، مدتی در هند ماند و آنگاه روانه اروپا شد. در پاریس با همکاری محمد عبده دست به انتشار روزنامه «عروه الوثقی» زد. چند سال بعد سید به دعوت ناصر الدین شاه به ایران آمد و گمان می‌کرد که می‌تواند با نزدیکی به شاه اندیشه‌های خود را به اجرا بگذارد، اما چون ماهیت و طبع شاهانه با هیچ اصلاحی موافق نبود و سید نیز آشکارا شاه را عامل بدبختی‌های مردم معرفی می‌کرد، از ایران اخراج شد. سید جمال بعد از مدتی برای دومین بار به ایران آمد، به آستانه حضرت عبدالعظیم در شهر ری تبعید شد و در آن جا با وجود کنترل مأموران به تشکیل جلسات مختلف اقدام کرد و مردم را به قیام علیه بیدادگری‌های شاه تشویق می‌کرد و شاه نیز که وجود او را در ایران به زیان خود می‌دید، دستور داد مجدداً او را در حالی که به شدت بیمار بود، از ایران اخراج کنند. سید جمال پس از اخراج از ایران وارد بصره و در آن



داستانی از سید همیشه در مبارزه همیشه در تبعید

تبعید از اسلامبول

سید جمال‌الدین حسینی اسدآبادی (معروف به افغانی) به دعوت سلطان عبدالحمید دوم - خلیفه عثمانی - در سال ۱۲۸۶ق به باب عالی، مقر خلافت عثمانی در اسلامبول وارد شد و در آن سامان مورد استقبال علما، فرهیختگان، روشنفکران و توده مردم مسلمان قرار گرفت و پس از مدت کوتاهی که از اقامت وی در اسلامبول می‌گذشت، موقعیت و محبوبیت ویژه و غیر قابل تصویری پیدا کرد. در مدت شش ماه نخستین اقامت در اسلامبول، با محافل فرهنگی و علمی، از جمله «انجمن معارف» آشنا شد و به عضویت آن درآمد و با توجه به موقعیت علمی و مهارت در سخنوری و ایراد خطابه، در ردیف رهبران انجمن قرار گرفت. سید در این مدت خواستار عمومی شدن تعلیمات و آموزش در کشور می‌شود که مورد توجه و قبول اکثر علما و مردم بود؛ اما متأسفانه حسن فهمی افندی - شیخ الاسلام و مسئول اداره اوقاف - با این امر، به علت برخورد با منافع طبقه‌ای مخالفت کرد. حسن فهمی که از طرف خلیفه عثمانی - سلطان عبدالحمید - مسئول آموزش ملی کشور بود و مقام «شیخ الاسلامی» داشت، با توجه به نبوغ و دامنه وسیع علمی سید و استقبال عمومی از وی، از ترس اینکه روزی مقام او را تصاحب کند، به مخالفت با اندیشه‌های سید پرداخت.

روزی «تحسین افندی» مدیر مدرسه دارالفنون از سید خواست درسی را درباره ترویج صنعت و علم در مدرسه آغاز کند و طلاب را با حقایق پیشرفت‌های علمی که برای مسلمانان ضرورت دارد، آشنا سازد. سید علی‌رغم اینکه به زبان ترکی با لهجه همدانی تسلط کامل داشت، از این امر به دلیل عدم آشنایی لازم با ترکی اسلامبولی، عذرخواهی نمود؛ ولی با اصرار مسئولان مدرسه، متنی را آماده کرد و از روز نخست، که با حضور بسیاری از شخصیت‌های کشوری و وزرا و دانشمندان و نویسندگان تشکیل شده بود، با تکیه بر فصاحت و بلاغت خاص خود، خطابه‌ای ایراد نمود و به تشبیه انسان با صنعت و لزوم انسجام در سازماندهی هر دو، پرداخت و «نبوت» را هم نوعی «صنعت الهی» نامید که خداوند آن را به هر کسی که انتخاب می‌کند، عطا می‌نماید و البته انسان هم نباید تنبل و بیکار بنشیند، بلکه هر کس باید فعال باشد، چون می‌تواند با تلاش و کوشش به هر مقصدی برسد! شیخ الاسلام «حسن فهمی افندی» برای خلع سلاح رقیب احتمالی خود، فرصت خوبی به دست آورده، به سخنرانی سید اعتراض نمود و علمای قشری و متحجران وابسته به دربار را - در مساجد و منابر - به شدت علیه سید شوراند و او را «مادی‌گرا» نامیدند و حتی برای تقرب به حق تعالی، کتابی هم تحت عنوان «کلب العجم» نوشتند و منتشر ساختند که در آن وقیح‌ترین کلمات و فحش‌ها و ناسزاها را بر ضد سید به کار بردند.

سید در مقابل این حملات، برای پاسخگویی اعلام آمادگی کرد؛ اما به طور طبیعی گوش شنوایی در بحران هرج و مرج پیدا نشد و در عوض دامنه اتهام گسترش یافت و سید به علت تدریس «احیاء علوم الدین» تالیف «امام ابوالحمد غزالی» مورد تهمت «ارتداد» و «خروج از دین» قرار گرفت!

حسن فهمی افندی که مورد توجه سلطان بود، فرصت را برای وارد کردن ضربه نهایی غنیمت شمرد و توانست حکم تبعید سید را پس از ۷ ماه اقامت و تدریس و سخنرانی در اسلامبول، اخذ و توسط مسئولان امر آن را به مرحله اجرا درآورد. سید جمال‌الدین سمبل مبارزه و تبعید را از آن کشور بیرون می‌کنند. راهش پرره رو.

ثبت نام در سیستم پیام کوتاه (sms) مسجد

در طی دو هفته گذشته پیام کوتاهی (sms) برای تعدادی از عزیزانی که قبلاً در سیستم پیام کوتاه (sms) مسجد ثبت نام کردند فرستاده شده است که اگر نسبت به دریافت پیام کوتاه (sms) مراسم های مسجد تمایل دارید به سایت مسجد مراجعه کنید

طریقه ثبت نام به شرح زیر می باشد:

- ۱- در صفحه اصلی سایت در قسمت نوار ابزار سمت راست سایت گزینه "ارتباط با ما" را انتخاب کنید
- ۲- در صفحه ارتباط با ما در قسمت کادر "گیرنده" گزینه "درخواست ارسال sms" را انتخاب کنید
- ۳- گزینه های در خواستی را پر کنید

جشن میلاد مسعود حضرت ختمی مرتبت محمد (ص) و امام جعفر صادق (ع)

میلاد مسعود حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبدالله (صل الله علیه واله) و ششمین اختر تابناک آسمان ولایت و امامت حضرت امام جعفر بن محمد الصادق (علیه السلام) را به حضرت صاحب الزمان (عج) ارواحنا له الفدای، و محبان آن حضرت مجدداً تبریک و تهنیت می گوئیم به همین مناسبت در مسجد امام حسین سه شب در تاریخ ۳۰ / ۱۱ / ۸۹ مراسم سخنرانی و جشن با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین ادیب یزدی و مداحی آقای مصطفی طالبی برگزار گردید.

زالل احکام

یکی از برنامه های مهم مسجد امام حسین (ع) که شبها بین دو نماز مغرب و عشا توسط نماینده ولی فقیه بصورت روزانه انجام می شود، بیان احکام شرعی مبتلا به مردم می باشد مسائل معمولاً بصورت موضوعی انتخاب شده و مطرح می گردد تا هم تنوعی در طرح احکام ایجاد شود و هم مخاطبان آسانتر و با آگاهی بیشتر به پاسخ برسند.

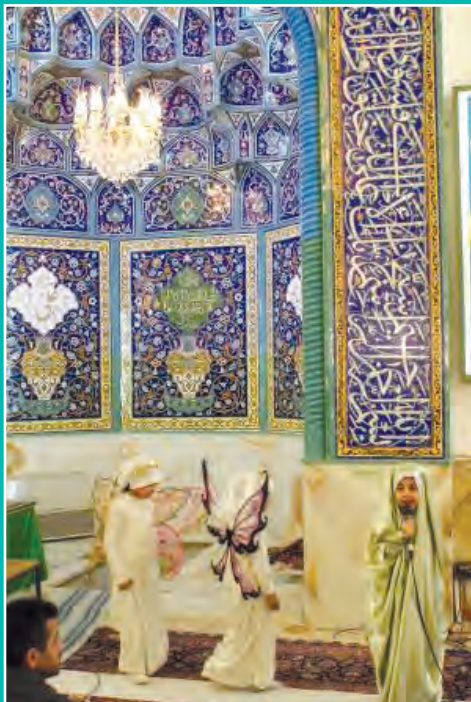
مراسم بزرگداشت شهادت امام عسکری (ع) و ۲۲ بهمن

مراسم بزرگداشت شهادت امام عسکری (ع) و گرامی داشت ۲۲ بهمن با سخنرانی حجة الاسلام علی خانی و مداحی برادر بزرگوار آقای خلیلی با حضور مردم برگزار شد. در این مراسم با شکوه دستهای مومنان برای انقلاب بزرگ جهانی مهدوی روبه آسمان بلند بود و باقلوبی سرشار از امید از درگاه خداوند متعال فرج آن حضرت را خواستار بودند.

نمایش مهد کودک حضرت رقیه (س)

امام با انقلاب حسی رو به همه مردم انتقال دادن که تک تک شئون دوست دارن هرطور شده به هر اندازه که دستشون میرسه به انقلاب کمک کنن حتی کوچولوهای مسجد هم از قافله عقب نموندن و با همت مربی های خوششون با آماده کردن نمایش زیبایی که روز ۲۲ بهمن بعد از نماز جمعه تو مسجد داشتن اجرای قشنگی رو تو تابلو انقلاب به یادگار گذاشتن.

ماهم از شون سپاسگذاریم



مسابقه اخلاق محمدی و سیره نبوی

در راستای نشر سیره نبوی و یادآوری اخلاق بهترین معلم که خداوند در مورد حضرتش فرمود: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ. مسجد امام حسین (ع) دبی مسابقه اخلاق محمدی و سیره نبوی را از متفکر فقیه استاد شهید مطهری برگزار می نماید مسابقه از دو بخش آخر کتاب سیری در سیره نبوی می باشد که پاسخنامه و متن آن در سایت و کتابخانه مسجد موجود است. مهلت ارسال پاسخ نامه ۱۳۸۹/۱۲/۱۸ و قرعه کشی در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۲۰ می باشد.



دفتر مسجد امام حسین (ع)